

## دکترین اصل علت نزدیک در کالیفرنیا: ده سال پس از دعوی "گاروی"

ترجمه: عبدالله خدابخشی شلمزاری

دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی - دانشگاه تهران

مقاله حاضر به بحث بسیار جالبی در ارتباط با اصل علت نزدیک اشاره دارد و به تحلیل و بررسی چگونگی اعمال این اصل از سوی بیمه گران و آرای دادگاههای آمریکا در این ارتباط می پردازد. تازه های جهان بیمه از کارشناسان و متخصصان علاقمند به بحث و بررسی مشابه در ارتباط با بیمه نامه های موجود در کشورمان دعوت می کند مطالب خود را برای ما ارسال نمایند.

می نمودند. در سال ۱۹۸۹، دادگاه عالی کالیفرنیا آن تعارض را به هنگام تصمیم گیری در دعوی [۱] Garvey V. State Farm Fire & Casualty Co مرتفع نمود. دادگاه با این بیان به وضع قاعده ای پرداخت که هرگاه بدلیل ترکیب یک خطر تحت پوشش بیمه و خطری که

ده سال پیش، دادگاههای کالیفرنیا هنگام بررسی بیمه نامه هایی که تمام خطرات را تحت پوشش قرار می دادند و ادعاهای خسارتی که در آنها، خسارت به دو علت منتسب می شد که یکی از آنها استثناء شده و دیگری تحت پوشش بود، روش های متعارضی را اعمال

مشخصاً از این پوشش مستثنی است، خسارتی ایجاد شده باشد، خسارت تنها به شرطی تحت پوشش قرار دارد که خطر مورد پوشش، «سبب مستقیم مؤثر» باشد.

با این تصمیم، دادگاه عالی کالیفرنیا، بخش در حال توسعه حقوق را که از زمان تصمیم‌گیری این دادگاه در دعوی [۲] State Farm Mutual Auto Insurance Co V. Partridge تحول یافته بود و براساس آن، دادگاهها تحلیل «سببیت مقارن» را نسبت به دعاوی پوشش «بیمه‌ای اموال خود شخص» [first party property insurance] اعمال می‌کردند، مردود اعلام نمود. بموجب نظریه سبب مقارن، اگر حداقل یکی از اسباب شناخته شده، خطری استثناء شده نباشد، پوشش بیمه‌ای وجود خواهد داشت. در مقابل دادگاه «گاروی» تحلیل سبب مستقیم مؤثر را که دادگاه عالی برای اولین بار، ۲۶ سال پیش از این در دعوی Sabella V. Wisler [۳] به روشنی بیان نمود، مجدداً تأیید و روشن ساخت.

این مقاله، وضعیت فعلی دکترین اصل علت نزدیک را در کالیفرنیا تشریح می‌کند. به عنوان مقدمه این بحث، مقاله حاضر به نحو مختصر درصدد بررسی مجدد تصمیم «گاروی»

وتحول دکترین اصل علت نزدیک در کالیفرنیا می‌باشد.

### تحول دکترین اصل علت نزدیک

از سال ۱۸۷۲ کالیفرنیا در منابع حقوقی خود، مقررات دوگانه و هر از گاهی متعارض که بیان‌کننده پوشش بیمه‌ای می‌باشند داشته است [۴]. بخش ۵۳۰ قانون بیمه اعلام می‌کند که بیمه‌نامه هنگامی پوشش بیمه را به عهده دارد که خطر بیمه شده، سبب مستقیم زیان محسوب شود: [۵] اما بموجب بخش ۵۳۲ قانون بیمه، اگر خسارت جز بدلیل خطر استثناء شده تحقق نمی‌یافت، حتی اگر سبب همزمان و مقارن آن خسارت، خطری تحت پوشش باشد، این خسارت، همچنان مستثنی محسوب می‌شود [۶]. به این ترتیب، بخشهای ۵۳۰ و ۵۳۲، در جایی که خسارت، قابل انتساب به دو علت است که یکی از آنها خطری استثناء شده و دیگری خطری تحت پوشش می‌باشد، در تعارض به نظر می‌رسند. در دعوی [۷] Sabella V. Wisles دادگاه عالی کالیفرنیا، سعی در رفع تعارض این دو مقرر قانونی نمود. در اینجا، Sabella براساس بیمه‌نامه تمام خطر، ادعای پوشش بیمه را به جهت خسارت ناشی از نشست ساختمان که می‌توانست به اسباب مختلفی

در دعوی Partridge، دادگاه عالی اعلام نمود: در جایی که اسباب مستقیم مقارن در بیمه مسؤلیت شخص ثالث مطرح می‌باشند، همین قدر که ریسک مورد بیمه سبب مستقیم مقارن خسارات باشد، پوشش بیمه‌ای وجود دارد [۱۳]. پس از دعوی Partridge دادگاهها شروع به اعمال رویکرد سببیت مستقیم مقارن، برای یافتن پوشش بیمه‌ای در بیمه‌نامه‌های اموال خود شخص نمودند؛ به این ترتیب، دادگاهها همین قدر که ریسک بیمه شده، سبب مقارن خسارت بیمه‌گذار محسوب می‌شد، در هر مورد، پوشش بیمه‌ای را مفروض می‌دانستند [۱۴].

در سال ۱۹۸۹ قابلیت اجرای قاعده مربوط به دعوی Partridge نسبت به بیمه‌نامه‌های اموال خود شخص، نزد دادگاه عالی کالیفرنیا در دعوی [۱۵] Garvey V. State Farm Fire Co. & Causalty مورد بررسی قرار گرفت. خواهان، برای هزینه‌های تعمیر خسارت وارده به بخش الحاقی منزل که از منزل اصلی جدا شده بود و برای خسارت وارده به دیوار باغ، دعوی را براساس بیمه‌نامه تمام خطر دارنده منزل مطرح ساخت [۱۶]. خواننده براساس استثناء مربوط به حرکت زمین در بیمه‌نامه، ادعای خواهان را نفی نمود [۱۷]. پس از آن، خواهان (Garvey) بابت

منتسب شود مطرح نمود: نشست ساختمان (بعنوان ریسکی استثناء شده) و تقصیر پیمانکار در نصب مجرای فاضلاب و ساختن منزل بر روی زمین سست (بعنوان دو ریسک تحت پوشش) [۸]. استنباط دادگاه عالی چنین بود که هر گاه این دو بخش با هم مورد بررسی قرار گیرد، شرط «مگر به علت» مقرر در بیمه نامه، ضرورتاً اشاره به «سبب مستقیم» زیان دارد در حالی که «سبب مقارن» اشاره به سببی می‌کند که با خسارت، نزدیکترین زمان را دارد [۹]. بنابراین دادگاه اعلام نمود در جایی که خسارت به دو سبب منتسب می‌شود که یکی از آنها ریسک استثناء شده و دیگری ریسک تحت پوشش بیمه می‌باشد «سبب مؤثر» سببی است که خسارت به آن منتسب خواهد شد [۱۰]. در طی ده سال پس از Sabella، دادگاههای تجدیدنظر کالیفرنیا، پیوسته تحلیل سبب مستقیم مؤثر را برای حل و فصل مسائل مربوط به پوشش بیمه‌ای سبب چندگانه در بیمه نامه‌های تمام خطر اموال، اعمال می‌نمودند [۱۱]. اما پس از تصمیم ۱۹۷۳ دادگاه عالی کالیفرنیا در دعوی [۱۲] State Farm Mutual Auto Insurance Co. V. Partridge وقایع تغییر نمودند.

نقض قرارداد و سوء نیت به طرح دعوی اقدام کرد، با این ادعا که پوشش بیمه‌ای وجود دارد زیرا خسارت بواسطه تقصیر پیمانکار یعنی یک خطر غیر استثناء تحقق یافته است [۱۸]. دادگاه بدوی براساس دعوی Partridge رأی صریحی به خواهان درمورد مسأله پوشش بیمه‌ای اعطا نمود؛ با این استدلال که تقصیر پیمانکار، سبب مستقیم مقارن خسارت بود. سپس هیأت منصفه، خوانده را براساس بیمه‌نامه ۴۷,۰۰۰ دلار و به جهت خسارات تنبیهی یک میلیون دلار مسؤول شناخت [۱۹]. در مرحله تجدیدنظر، دادگاه عالی، رویکرد سببیت مقارن را در دعوی [بیمه] اشخاص مردود دانست. در عوض، دادگاه تحلیل سبب مستقیم مؤثر دعوی Sabella را مجدداً تأیید نمود [۲۰]. دادگاه عالی متوجه شد که دادگاهها در تفسیر و اعمال دعوی Sabella و Partridge اشتباه نمودند. بدین صورت که به جای اعمال تحلیل سبب مؤثر مستقیم مربوط به دعوی Sabella به اعمال رویکرد سببیت مقارن مربوط به دعوی Partridge در پرونده‌های بیمه خود شخص پرداخته‌اند [۲۱]. دادگاه همچنین متوجه شد که این امر برخلاف معیار مقرر در بخشهای ۵۳۰ و ۵۳۲ قانون بیمه یعنی تصمیم دعوی Sabella و برخلاف تمایزات اساسی و

مهم میان پوششهای بیمه‌ای شخص ثالث و خود شخص می‌باشد [۲۲]. دادگاه متذکر شد: از آنجا که در دعوی مربوط به اسباب متعدد، بطور معمول، خطر بیمه شده در زنجیره سببیت، موجود ارزیابی می‌شود لذا اعمال قاعده Partridge نسبت به پوشش دعوی بیمه‌ای خود شخص، استثنائات بیمه‌ای را در بیمه‌نامه‌های تمام خطر خسارت اموال متعلق به صاحبان املاک، به صورت مؤثر لغو می‌کند در نتیجه، شرایط محدودکننده قراردادهای بیمه‌ای در چنین دعوی به صورت اساسی نقض و حذف خواهند شد [۲۳]. بنابراین دادگاه استدلال نمود که هدف از قاعده Partridge هرگز این نبوده که چنین نتیجه‌ای را در دعوی بیمه‌ای خود شخص مقرر نماید و استدلال کرد که تحلیل Partridge تنها محدود به دعوی مسؤولیتی بود که در آنها اسباب مقارن حقیقی هر یک از عمل مستقل بی‌احتیاطی و تقصیر ناشی شده همزمان بایکدیگر جمع شده و سبب تحقق زیان شدت‌اند [۲۴].

### وضعیت فعلی دکترین «سبب مستقیم مؤثر»

#### معنی سبب مستقیم مؤثر

دادگاه Garvey سبب مستقیم مؤثر را «سبب غالب» تعریف نمود [۲۵]. اما دادگاه، «غالب» را تعریف نکرد. فرهنگ لغت این

عبارت را به این معنی تعریف می‌کند: «داشتن قدرت، تأثیر، اختیار یا موقعیت برتر».[۲۶] یکی از متون پیشنهادی برای آموزش قانون حاکم به هیأت منصفه و حداقل، یکی از مفسران، سبب غالب را صرفاً به «مهمترین سبب» تعریف می‌کنند که به نظر می‌رسد بهترین تعریف برای این عبارت باشد.[۲۷]

تعداد کمی از دادگاهها، اشتباهاً سبب مستقیم مؤثر را به معنی «سبب متحرک» تعریف کرده‌اند.[۲۸] منبع این آشفتگی آشکار، به پیشنهاد دادگاه Sabella مرتبط می‌شود که بیان داشت، «سبب مؤثر» هم به معنی «سببی که دیگر اسباب را به جریان می‌اندازد» و هم به معنی «سبب مؤثر متحرک یا غالب» می‌باشد. [۲۹] اما دادگاه Garvey ضابطه اسباب متحرک را صریحاً مردود دانست. با این استدلال که تفسیر نادرست آن ضابطه، آشفتگی را در دادگاهها افزایش می‌دهد:

هنگامی که به تحلیل Sabella اشاره می‌شود ما از «سبب مستقیم مؤثر» (به معنی سبب غالب) استفاده می‌کنیم زیرا عقیده داریم که عبارت «سبب متحرک» می‌تواند به صورت ناصحیح تفسیر گردد و از این طریق، اشتباهاً پوشش بیمه‌ای را نفی نماید، مخصوصاً

هنگامی که از این عبارت، معنی «سبب آغازین و شروع کننده» برداشت شود. در واقع ما معتقدیم که تفسیر نادرست از تصمیم دادگاه Sabella در مورد «سبب مستقیم مؤثر»، آشفتگی و ابهام را در دادگاهها افزایش داده است و این امر تا اندازه‌ای، مسؤول اجرای نادرست دعوی Partridge نسبت به «دعوی بیمه اموال خود شخص» محسوب می‌شود.[۳۰]

بنابراین بیشتر دادگاههای تجدیدنظر، اعمال «سبب متحرک» را برای تعریف و شناسایی سبب مستقیم مؤثر، رد نمودند. برای مثال در دعوی Mission National Insurance Co.V. [۳۱] Coachella Valley Water District دادگاه تجدیدنظر متوجه شد که هدایت حقوقی هیأت منصفه برای تعریف سبب مستقیم مؤثر به، «سببی که دیگر اسباب را به حرکت درمی‌آورد»، اشتباه بود. زیرا این معیار، به صورت نامناسب به هیأت منصفه پیشنهاد می‌نمود که «سبب آغازین و شروع کننده» را بررسی کند نه سبب غالب و برتر را.[۳۲]

بطور خلاصه، دعوی Garvey مستلزم این است که تنها، معیار سبب غالب می‌تواند برای تعیین سبب مستقیم مؤثر استفاده شود. آنگونه که دعوی Mission National تشریح

می‌نماید، استفاده از معیار «سبب متحرک» در هدایت حقوقی هیأت منصفه، احتمالاً اشتباهی قابل نقض خواهد بود.

### زمان اعمال تحلیل «سبب مستقیم مؤثر»

دادگاه عالی کالیفرنیا اعلام نمود که تحلیل سبب مستقیم مؤثر هنگامی ضروری است که «خسارتی بدلیل ترکیب یک ریسک تحت پوشش بیمه و ریسکی که به طور مشخص استثناء شده باشد، تحقق یابد».[۳۳] اما این بدین معنی نیست که به تحلیل سبب مستقیم مؤثر در هر مورد که بیمه‌گر و بیمه‌گذار، هر یک سبب جداگانهای را برای خسارت پیشنهاد می‌کنند، نیاز باشد، بلکه تحلیل سبب مستقیم مؤثر تنها در جایی لازم است که دو یا چند خطر مستقل و جدا وجود داشته باشد که هر یک از آنها با توجه به شرایط و اوضاع و احوال خود بتوانند به طور مستقل سبب تحقق زیان گردند.[۳۴]

بنابراین در جایی که خسارت، بوسیله یک سبب تنها ایجاد شده باشد، به تحلیل سبب مستقیم مؤثر نیازی نیست هر چند که این سبب به صور مختلف توصیف شده باشد. برای مثال در دعوی Chadwick V. Farmers [۳۵] Insurance Exchange بیمه‌گذار به جهت

خسارت ناشی از قالب بندی معیوب، تقاضای جبران خسارت داشت. بیمه‌گر با استناد به استثنای «عیب پنهان» در بیمه‌نامه تمام خطر، ادعا را نفی نمود. اما بیمه‌گذار اعلام داشت که ساخت ناقص و اعمال کارانه، که بعنوان خطر استثناء نشده، باعث عیب پنهان شده است. [۳۶] دادگاه تجدیدنظر، ادعای بیمه‌گذار را مردود دانست با این استدلال که تقصیر مورد ادعا، یک خطر مستقل و مجزا محسوب نمی‌شد: «ما این استدلال را رد می‌کنیم زیرا تقصیر سازنده، با توجه به وقایع دعوی، خطری نیست که از قالب بندی معیوب جدا باشد. اعم از اینکه این امر بعنوان غفلت، تقصیری بدون گناه یا عمدی توصیف شود».

«خطر»، خود «قالب بندی معیوب» است و هر یک، معادل دیگری می‌باشد. اینکه گفته شود تقصیر سازنده سبب قالب بندی معیوب می‌باشد، در این زمینه نوعی اصرار در لفاظی گمراه‌کننده است. شاید نظیر این باشد که گفته شود، نیت سوء در قتل عمد، سبب کشتن است.[۳۷]

به این ترتیب، دادگاه خاطر نشان نمود که وقتی «خسارت، در واقع تنها از یک سبب ناشی شده، هر چند که این سبب، قابلیت توصیفات

دعوی Sabella و دعاوی مشابه آن، هر دو خطر، از حیث مفهوم، مستقل بودند: این بدان معنی است که هر کدام از آنها با توجه به شرایط و اوضاع و احوال می‌توانند به صورت مستقل و جدای از دیگری تحقق یافته و سبب خسارت شوند.

در دعوی حاضر، دو خطر که از حیث مفهومی متمایز و جدا از یکدیگر باشند وجود نداشت. نشت و تراوش، بدون قطع لوله‌ها یا اتصال ناقص آنها اتفاق نمی‌افتاد. این دعوی متضمن اسباب متعدد نبود بلکه تنها یک سبب، لوله در حال تراوش و نشت، داشت. [۴۳]

اخیراً، دادگاهی نیز در دعوی [۴۴] Pieper V. Commercial underwriters Insurance Co. از اعمال تحلیل سبب مستقیم مؤثر در جایی که سبب مورد ادعای بیمه‌گذار از سبب استثناء شده متمایز نبود، خودداری نموده است. در این دعوی مسأله این بود که آیا پوشش بیمه برای خسارت وارد آمده بیمه‌گذار که بدلیل آتش‌سوزی در محل پر از خاشاک و بته به عنوان یک ریسک استثناء شده، بوجود آمده و این آتش‌سوزی بدلیل احتراق به عنوان یک ریسک تحت پوشش، شروع شده بود، وجود دارد یا خیر. [۴۵] استدلال خواهان این بود که

مختلف را داشته باشد، دیگر، تحلیل سبب مستقیم مؤثر اعمال نمی‌شود». [۳۸] استدلال دادگاه چنین بود که «اگر هر توصیف ممکن از یک عمل یا حادثه‌ای، یک خطر اضافی به حساب آید، در این صورت، بسیاری از استثنائات قراردادهای بیمه تمام‌خطر لغو خواهند شد» [۳۹]

در دعوی [۴۰] Finn V. Continental Insurance Co. دادگاه به نتیجه‌ای مشابه نائل آمد. در این دعوی خواهان خسارت مربوط به پایه [منزل] را که بدلیل نشت ناشی از مجری فاضلاب شکسته شده بوجود آمده بود، مطالبه نمود تراوش در مدت یک دوره ۶ ماهه تا چند سال مختلف اتفاق افتاده بود. [۴۱] اگرچه بیمه‌نامه، خسارت ناشی از تراوش و نشت مداوم و مستمر از سیستم لوله‌کشی را استثناء نموده بود ولی ارزیابی خواهان این بود که شکستن ناگهانی در مسیر لوله، «خطر و سبب مستقیم مؤثر» تراوش را تحت پوشش قرار می‌دهد. [۴۲] دادگاه این استدلال را مردود و اعلام کرد که ضرورتی به تحلیل سبب مستقیم مؤثر نیست زیرا دو خطر مستقل و مجزا وجود ندارد:

تحلیل دعوی Sabella در اینجا اعمال نمی‌شود زیرا نشت و تراوش لوله‌های شکسته، دو خطر مستقل و جدا محسوب نمی‌شوند. در

**قابلیت اعمال دکترین سبب مستقیم مؤثر****نسبت به بیمهنامه های خطر معین**

دعوی Garvey و بسیاری از دعاوی مشابه آن، گویای پوشش بیمه ای بموجب یک بیمه نامه تمام خطر منازل می باشد. این دکترین نسبت به بیمه نامه های تمام خطر تجاری نیز اعمال شده است. [۵۰] اما آیا تحلیل سبب مستقیم مؤثر در جایی نیز اعمال می گردد که بیمه نامه به صورت خطر معینی است نه بیمه نامه ای به صورت تمام خطر؟ [۵۱]

دادگاه های کالیفرنیا در تصمیمی که منتشر شده باشد، معترض این موضوع نشدند. لکن در یک تصمیم گزارش نشده یعنی دعوی Ninth Circuit in Chicago Insurance Co. [۵۲] V. Ciabiga بیان شد که هیچ دلیلی برای تمایز قائل شدن میان بیمه نامه های تمام خطر و بیمه نامه های خطر معین وجود ندارد. در این دعوی، خواننده بیمه نامه ای را خریداری کرده بود که به طور مشخص خطر زلزله منزل خود را بیمه می نمود. خسارت بدلیل زلزله و خطری غیر از آن مجموعاً بوجود آمد. [۵۳] دادگاه بدوی، هیأت منصفه را اینگونه ارشاد نمود که اگر استنباط هیأت منصفه بر این باشد که زلزله، سبب غالب و برتر خسارت است، این

سبب مستقیم مؤثر خسارت، آتش زدن بود. [۴۶] اما دادگاه تجدیدنظر، استثناء آتش سوزی در محل پر از خاشاک و بته را به خصوص با رد استدلال سبب مستقیم مؤثر خواهان، تنفیذ و اعمال نمود. [۴۷] دادگاه اعلام داشت که دو خطر جدا که به صورت مستقل تحقق یافته و سبب خسارت به خواهان شده باشند، وجود ندارد و بالاخره، بیان نمود که تنها یک سبب آتش سوزی وجود دارد. [۴۸]

دادگاه تشریح نمود که آتش سوزی در محل پر از خاشاک و بته، بدون یک منبع افروزش نمی توانست شروع بشود و بنابراین «این مسأله که چه چیزی سبب آتش بوده، امری بدون اهمیت و خارج از موضوع تلقی می شود» [۴۹]

به این ترتیب، تحلیل سبب مستقیم مؤثر تنها در جایی ضروری است که دو یا چند خطر جدا و مستقل، هر یک می توانسته بدون وابستگی به دیگری تحقق یافته و سبب خسارت شوند. تحلیل سبب مستقیم مؤثر در جایی که خسارت بوسیله سببی تنها ایجاد شده است اعمال نمی گردد حتی اگر چنین سببی قابلیت این را داشته باشد که به صورتهای متعدد توصیف گردد.



خسارت تحت پوشش بیمه خواهد بود. [۵۴] در مرحله تجدیدنظر، خواننده اعلام نمود که دعوی Garvey، بدلیل «مقولات منصفانه قوی‌تری که در بیمه‌نامه خطر معین به سود بیمه‌گذار وجود دارد»، اعمال نشده است. [۵۵] طرف مقابل آن را نپذیرفت. دادگاه بیان داشت که دعوی Garvey، هر مفهومی را که بموجب آن تحلیل سببیت مقارن مربوط به دعوی Partridge نسبت به بیمه‌نامه اموال خود شخص اعمال خواهد شد، مردود نموده است. [۵۶] همچنین دادگاه اعلام نمود که دعوی Garvey، «مسائل سببیت را که در بیمه‌نامه‌های تمام خطر و بیمه‌نامه‌های خطر معین مطرح می‌شوند یکسان تلقی می‌کند». متن زیر از دعوی Garvey نقل می‌شود؛ اگر یکی از اسباب (خطرات) مطلقاً در وضعیتی رخ دهد که معمولاً پوشش‌بیمه اعطا می‌گردد، خواه به این دلیل که به طور خاص بیمه شده باشد (بعنوان بیمه‌نامه خطر معین) یا اینکه مشخصاً محدود یا استثناء نشده باشد (آنگونه که در بیمه‌نامه تمام خطر است) در این صورت اختلافات مربوط به پوشش بیمه‌ای می‌توانند اقامه و طرح شوند. کاری که باید انجام داد این است که کدامیک از وقایع شناخته‌شده، مهمترین سبب آن خطر (ریسک) محسوب می‌شود. [۵۷]

اگر در دعوی Garvey، تمرکز دادگاه بر روی ماهیت «بیمه اموال خود شخص» بود، دعوی Ninth Circuit بیان نموده بود که «دادگاه عالی کالیفرنیا می‌بایست معیار سببیت دعوی Garvey را در مورد بیمه‌نامه خطر معین اعمال کند.» [۵۸]

تحلیل دادگاه در دعوی Cabigas صحیح و منطقی است. دادگاه Garvey هنگامی که تحلیل سبب مقارن را به نفع تحلیل سبب مستقیم مؤثر کنار نهاد، بر تفاوت میان بیمه اموال خود شخص و بیمه مسؤلیت شخص ثالث، تأکید می‌ورزید. نوع بیمه‌نامه اموال مورد نظر، بعنوان معیاری برای تصمیم دادگاه بحساب نمی‌آید. بعلاوه، تحلیل پوشش بیمه‌ای در دعاوی با سبب متعدد، ضرورتاً همان است که در بیمه‌نامه‌ها اعم از بیمه‌نامه خطر معین و تمام خطر وجود دارد. هرچند که تحلیل سبب مستقیم مؤثر می‌بایست در مورد بیمه‌نامه‌های خطر معین اعمال شود با این حال یک تفاوت مهم میان اعمال این تحلیل نسبت به بیمه‌نامه تمام خطر و بیمه‌نامه خطر معین، از حیث بار اثبات و ارائه دلیل وجود دارد. در بیمه‌نامه تمام خطر، بیمه‌گر بار اثبات این امر را به عهده دارد که نشان دهد سبب مستقیم مؤثر خسارت،

خطری استثناء شده است [۵۹] در حالی که در بیمه نامه خطر معین، بیمه‌گذار عهده‌دار بار اثبات این امر می‌باشد که سبب مستقیم مؤثر خسارت، همان خطری می‌باشد که دقیقاً معین شده است. [۶۰]

### اسبابی که به صورت همزمان تحقق می‌یابند

دکترین سبب مستقیم مؤثر، آنگونه که بوسیله دادگاهها در دعاوی Sabella و Garvey توسعه یافت، در جایی اعمال می‌شود که اعمال، وقایع و نیروها یکی پس از دیگری تحقق یابند. دادگاه Garvey به طور مشخص وضعیتی را نشان نداده بود که در آن «اسباب تحت پوشش بیمه و اسباب استثناء شده مستقل، همزمان با یکدیگر تلاقی نموده و خسارتی را بوجود می‌آورند» [۶۱]

درعین حال دادگاه Garvey توجه داشت که هرگاه دو عمل یا حادثه همزمان محقق و سبب خسارت شوند، تعیین عاملی بعنوان سبب مستقیم مؤثر زیان غیر ممکن می‌باشد و در این فرض دادگاه می‌تواند به صورت فزاینده، دکترین سببیت مقارن را شبیه آنچه بوسیله دادگاه تجدیدنظر در دعوی Garvey اعمال شد، مورد توجه قرار دهد. [۶۲]

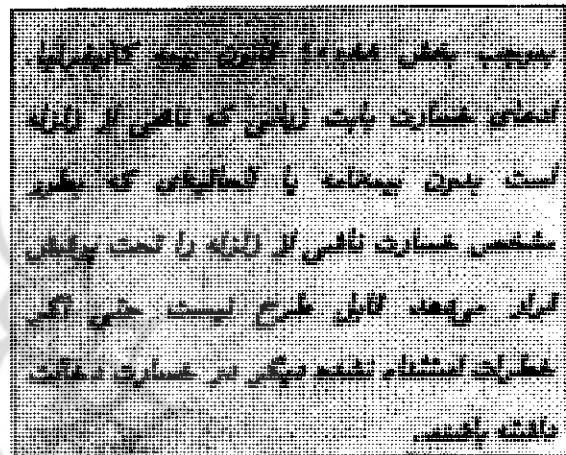
دادگاه تجدید نظر یک معیار دوگانه پیریزی نمود که عناصر هر دو دعوی Sabella و Partridge در آن گنجانده شده بود: اگر ریسک تحت پوشش و ریسک استثناء شده، هر دو در واقع بعنوان سبب محسوب شده و هر دو مستقل از یکدیگر باشند، تحلیل دعوی Partridge اعمال می‌شود. بدین معنی که اگر ریسک تحت پوشش، «سبب غالب مقارن با خسارت» باشد، خسارت تحت پوشش خواهد بود. [۶۳]

از سوی دیگر اگر هر دو ریسک در ارتباط و وابسته به یکدیگر باشند، تحلیل Sabella اعمال می‌گردد. بدین معنی که خسارت تنها در صورتی تحت پوشش است که ریسک مورد پوشش بعنوان سبب متحرک خسارت تلقی گردد. [۶۴]

مسئله پوشش بیمه‌ای، در جایی که اسباب تحت پوشش و استثناء شده مستقل، به صورت همزمان با یکدیگر تلاقی نموده و سبب خسارت شوند، در رویه قضایی منتشر شده، مطرح نشده است و معلوم نیست که دادگاهها چه معیاری را اعمال خواهند نمود. تصمیم دادگاه Garvey تنها راهنمای دادگاهها در این زمینه می‌باشد.

## استثنای زلزله

از نظر قانون، دکترین سبب مستقیم مؤثر Garvey، در دعاوی که در آنها زلزله یک خطر خارج از پوشش و سبب مستقیم خسارت محسوب می‌گردد، اعمال نخواهد شد.



همزمان قرار دارند، باشد و اعم از اینکه بوسیله بیمه‌نامه پوشش داده شده یا نشده باشد. [۶۵] بخش ۱۰۰۸۸ بعنوان بخشی از قانون بیمه زلزله در سال ۱۹۸۴ به تصویب رسید و قانونگذار، بیمه‌گران منازل مسکونی را به ارائه پیشنهاد پوشش بیمه‌ای برای خسارت یا زیان ناشی از زلزله ملزم نمود. اگرچه قانون، نوعاً بیان‌کننده بیمه منازل مسکونی است، با این حال بخش ۱۰۰۸۸ به صراحت آنرا به همه بیمه‌نامه‌هایی از هر نوع تسری می‌دهد که از جمله آنها، «انواع بیمه‌های تجاری و بازرگانی است که پوشش بیمه‌ای را در مقابل زبانی که در نتیجه خسارت به دارایی بیمه‌گذار بوجود می‌آید، مقرر می‌نمایند.» [۶۶]

بخش ۱۰۰۸۸ قبل از دعوی Garvey تصویب شده بود. بنابراین بیمه‌گذاران ممکن است استدلال نمایند که پوشش بیمه‌ای برای بخشی از خسارات مرتبط با زلزله (که سبب غالب و برتر آنها زلزله نبوده بلکه یک خطر تحت پوشش می‌باشد) وجود دارد. اگرچه در این خصوص، رویه قضایی وجود ندارد لکن بخش ۱۰۰۸۸ به صورت مؤثری، پوشش بیمه‌ای را برای تمام زیان‌هایی (به استثناء زیان‌های ناشی از آتش‌سوزی) که به هر طریق بدلیل

با وجود مقررات بخش ۵۳۰ و ۵۳۲ یا هر مقرر دیگر قانون و در صورت فقدان پیش‌بینی بیمه‌نامه اضافی یا الحاقی که مشخصاً خطر زلزله را پوشش می‌دهد، بیمه‌نامه‌ای که با شرایط خود متضمن پوشش خطر زلزله نیست، در فرضی که زلزله سبب مستقیم می‌باشد، پوشش بیمه‌ای برای خسارت یا زیان را مقرر نخواهد کرد یا حکم به آن صادر نخواهد شد؛ صرف‌نظر از اینکه خسارت یا زیان، بطور مستقیم یا غیر مستقیم ناشی یا متناسب به سبب نزدیک یا دور دیگری که در یک ردیف یا به طور

زلزله ایجاد شده اند، در فرض استثناء نمودن زلزله در بیمه نامه، حذف خواهد کرد. [۶۷]

درواقع، دعوی Garvey مبتنی بر تفسیری از بخشهای ۵۳۰ و ۵۳۲ قانون بیمه بود. دادگاه اعلام داشت که این دو بخش، بیمه گر را ملزم به تجویز پوشش بیمه ای در هر فرضی می نماید که خطر بیمه شده، سبب غالب و برتر زیان محسوب شود. بخش ۱۰۰۸۸ قانون بیمه صراحتاً اعلام می کند که بخشهای ۵۳۰ و ۵۳۲ قابل اجرا می باشند. با این بیان که: « با وجود مقررات بخش ۵۳۰ و ۵۳۲ یا هر مقرر دیگر قانون ... » [۶۸] بنابراین، قانونگذار به روشنی به دنبال اجرای بخش ۱۰۰۸۸ در همه شرایط و اوضاع و احوال می باشد.

همچنین دادگاهها بیان داشته اند که بخش ۱۰۰۸۸ مانع از پوشش بیمه ای برای تمام زیانهای مربوط به زلزله در فرضی است که پوشش بیمه ای صریح زلزله وجود ندارد. برای مثال دادگاه تجدیدنظری اعلام نموده است که بخش ۱۰۰۸۸ « مانع از مطالبه خسارت ناشی از زلزله، در صورت فقدان بیمه نامه یا الحاقیه ای است که مشخصاً این خسارت را پوشش می دهد. » [۶۹] به همین ترتیب در دعوی Garvey [قاضی] ماسک (Mosk) در نظر مخالف خود

تصدیق نمود که قانونگذار، بخش ۱۰۰۸۸ قانون بیمه را « بعنوان استثنایی بر قاعده کلی بخشهای ۵۳۰ و ۵۳۲ » در شرایطی که در آن، زلزله، سبب مستقیم خسارت یا زیان مورد ادعا محسوب می شود، تصویب نموده است. [۷۰]

منظور قانون در بخش ۱۰۰۸۱ یعنی بخش اول قانون بیمه زلزله نیز تأکیدی بر این نکته است که بخش ۱۰۰۸۸ به معنی کنار نهادن هر نوع تحلیل سببیت مقارن می باشد.

هدف قانونگذار این است که روشن نماید خسارت ناشی از زلزله تنها هنگامی توسط پوشش بیمه ای قابل جبران خواهد بود که تأمین زلزله از طریق ذخیره بیمه نامه یا الحاقیه ای که مشخصاً برای جبران خسارت ناشی از خطر زیان زلزله طراحی شده است، مقرر شود نه از طریق بیمه نامه هایی که در آنها خطر زلزله به صورت مشخص استثناء شده است، حتی اگر سبب دیگر زیان همراه با زلزله، برای ایجاد خسارت عمل نموده باشد. [۷۱] بنابراین، مقصود قانونگذار از بخش ۱۰۰۸۸ این بوده است که مانع از طرح ادعای خسارت بیمه گذاران، بابت زیانهای ناشی از زلزله با استفاده از شناسایی دیگر اسباب خسارت تحت پوشش و از طریق اعمال تحلیل سبب مستقیم مؤثر باشد.

مختصر آنکه اگر بیمه‌گذار بیمه زلزله را خریداری نکند، با در نظر گرفتن استثناء مربوط به زمان‌های آتش سوزی، هیچ پوشش بیمه‌ای برای خسارت یا زیان، در فرضی که زلزله، سبب مستقیم آنها می‌باشد وجود ندارد. حتی اگر اسباب مستقیم مورد ادعای دیگری برای خسارت وجود داشته باشد که تحت پوشش قرار دارند، باز هم بخش ۱۰۰۸۸ قانون بیمه اعلام می‌کند که هیچ پوشش بیمه‌ای براساس بیمه‌نامه وجود ندارد و نیازی به تحلیل دعوی Garvey نخواهد بود.

#### استثنائات «ضد سبب مقارن»

سوآلی که بوسیله دعوی Garvey مطرح شد این بود که آیا بیمه‌گر اموال، از حیث قراردادی می‌تواند به استثناء نمودن پوشش بیمه در هنگامی پردازد که خطر تحت پوشش، سبب مستقیم مؤثر زیان است و در عین حال خطر استثناء شده هم در ایجاد خسارت شرکت داشته یا برای آن ضروری بوده است. در واقع تلاش بسیاری از بیمه‌نامه‌های اموال در جهت مستثنی نمودن پوشش بیمه‌ای در فرضی است که یک خطر استثناء شده به طور مستقیم یا غیر مستقیم سبب خسارت شده است حتی اگر خطر تحت پوشش نیز در تحقق خسارت

شرکت داشته باشد. [۷۲] برای مثال فرم پوشش بیمه دارایی تجاری استاندارد ISO مقرر می‌دارد:

ما برای زیان یا خسارتی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم بوسیله هر یک از موارد زیر تحقق یافته است وجهی پرداخت نمی‌کنیم. چنین خسارت یا زیانی مستثنی می‌باشد صرف نظر از اینکه سبب یا واقعه دیگری به طور همزمان یا متوالی در این خسارت شرکت داشته است یا خیر. [۷۳]

بیمه‌گران عبارت «ضد سبب مقارن» را برای کنار نهادن پوشش بیمه‌ای و خسارت ناشی از یکی از اسباب استثناء شده، مطابق دکترین سببیت مقارن، [در بیمه‌نامه‌ها] درج می‌نمایند. [۷۴]. دادگاه فدرال برای نخستین بار قابلیت اجرای عبارت «ضد سبب مقارن» را در دعوی State Farm Fire & casualty Co. V. [۷۵]. martin بیان نمود. در این جا، دادگاه فدرال اعلام نمود که بخش ۵۳۰ قانون بیمه و دعوی Sabella بیمه‌گر را از استثناء نمودن قرارداد پوشش بیمه‌ای در جایی که خطر بیمه‌شده، صرفاً سبب مقارن زیان محسوب می‌گردد ممنوع نمی‌کند: «در حالی که دادگاه در دعوی Sabella نمی‌بایست قانون را برای اعمال چنین

محدودیت‌هایی نسبت به پوشش بیمه‌ای اسباب مقارن، توسعه می‌داد با این وضع در قانون چیزی وجود ندارد که حق درج عبارتی را به عنوان یکی از شرایط خود قرارداد [بیمه] از بیمه‌گر سلب نماید.» [۷۶]

در عین حال، دادگاه تجدیدنظر کالیفرنیا در دعوی Howell. V. State Farm Fire & Casualty [۷۷] به نتیجه‌ای متفاوت نائل آمد. در این دعوی، دادگاه رأی داد که بیمه‌گر اموال، از حیث قراردادی نمی‌تواند پوشش بیمه‌ای را در فرضی که خطر بیمه شده، سبب مستقیم مؤثر خسارت است، مستثنی کند. [۷۸] استدلال دادگاه این بود که بخش ۵۳۰ قانون بیمه، آنگونه که در دعوی Sabella و دیگر دعاوی بعد از آن تفسیر شد، بیمه‌گر اموال را ملزم به پیش‌بینی پوشش بیمه‌ای در هر موردی می‌کند که خطر بیمه شده، سبب مستقیم مؤثر خسارت محسوب می‌شود. [۷۹] در دعوی Howell دادگاه بیان نمود که اگر عبارت «ضد سبب مقارن» بعنوان یک استثناء واجد اثر باشد، بیمه‌گر قادر به حذف پوشش بیمه‌ای خواهد بود حتی اگر خطر بیمه شده، سبب مستقیم خسارت باشد این امر بر خلاف بخش ۵۳۰ قانون بیمه خواهد بود. [۸۰]

در دعوی Howell، دادگاه تلاش نمود تا تصمیم خود را با دعوی Martin هماهنگ کند. دادگاه اعلام داشت که دعوی Martin تنها «اسباب مقارن» را اعمال نموده است نه «اسباب مستقیم» مؤثر آنگونه که در دعوی Sabella تعریف شده بود [۸۱] این امر بدین معنی است که بیمه‌گر می‌تواند از نظر قراردادی، مسؤولیت را در جایی که خطر تحت پوشش، صرفاً «سبب مقارن» زیان است، محدود نماید. دعوی Martin بیان نمی‌کند که آیا بیمه‌گر می‌تواند پوشش بیمه‌ای را در فرضی که خطر بیمه شده، «سبب مستقیم مؤثر» خسارت است، مستثنی کند. [۸۲] دادگاه عالی کالیفرنیا این مسأله را بازگو ننموده است. اما بنظر می‌رسد این مسأله حل شده باشد. دادگاهها اجازه نخواهند داد که بیمه‌گران با استفاده از «استثنای سببیت» از تحلیل سبب مستقیم مؤثر اجتناب نمایند.

### نتیجه

دادگاه Garvey اعمال دکترین سببیت مقارن را در دعاوی ناشی از بیمه‌نامه‌های اموال خود شخص، رد نموده است. دعوی Garvey بر تحلیل سبب مستقیم مقارن تأکید می‌نمود که تفاوت‌های مهمی را بین پوشش‌های بیمه‌ای شخص ثالث و خود شخص به رسمیت

که وقایع اعمال یا نیروها باید همزمان تحقق یابند. دکترین «سبب مستقیم مؤثر» آنگونه که توسط دعوی Sabella و Garvey کامل شد، درجایی اعمال می‌گردد که اعمال وقایع یا نیروها به صورت پی‌در پی تحقق یابند.

۴- بخشهای ۵۳۰ و ۵۳۲ با بقیه قسمتهای قانون بیمه در سال ۱۹۳۵ به تصویب رسیدند. دعوی گوهای این است *Howell V. state Farm Fire & Casualty Co. 267 cal. 708, 722 (cal.ct. App. 1990) (Barry-Deal. J., concurring)*

که بخشهای ۵۳۰ و ۵۳۲ تصویب مجدد بخشهای ۲۶۲۶ و ۲۶۲۸ قانون مدنی سابق بودند که یکی پس از دیگری به تصویب رسیدند. نگاه کنید به *ibid. at 722-723*

بخشهای ۲۶۲۶ و ۲۶۲۸ قانون مدنی در سال ۱۸۷۲ بعنوان بخشی از تدوین کلی قانون کالیفرنیا تصویب شد. نگاه کنید: *Ibid. at 720*. به نظر می‌رسد که هر دو قانون بطور مستقیم از قانون مدنی نیویورک اقتباس شد. نگاه کنید به *Ibid.*

۵- نگاه کنید به *cal. Ins. code 530 (west supp. 1999)* بیان می‌دارد «بیمه‌گر مسئول زبانی است که خطر بیمه‌شده سبب مستقیم آن بوده است هر چند خطری که از طریق قرارداد پیش‌بینی نشده باشد. ممکن است بعنوان سبب دور

می‌شناسد. بنابراین در جایی که خسارت بدلیل ترکیب خطر تحت پوشش و خطری که مشخصاً استثناء شده، تحقق یافته باشد، تنها وقتی تحت پوشش است که خطر بیمه شده، سبب مستقیم مؤثر به معنی مهمترین سبب خسارت باشد. بهمین ترتیب اگر خطر استثناء شده، سبب مستقیم مؤثر خسارت باشد، این خسارت قابل مطالبه نیست. آنطور که از دعوی Garvey و دعاوی دیگر که براساس آن تصمیم گرفته شدتاند، بدست آمده است، تحلیل سبب مستقیم مؤثر در هر جا که خسارتی بدلیل ترکیب خطرهای استثناء شده و تحت پوشش ایجاد شده است ضروری خواهد بود. اما خطرها باید، در واقع مستقل و جدا باشند؛ در جایی که یکی از دو سبب، دور محسوب می‌شود، به نحوی که به تنهایی نمی‌تواند خسارت را بوجود آورد، نیازی به تحلیل سبب مستقیم مؤثر نیست.

توضیحات:

1. 770 P.2d 704 (cal. 1989).

2. 514 P.2d 123 (cal. 1973).

3. 377 P.2d 889 (cal. 1963).

دکترین اصل علت نزدیک غالباً به اشتباه اشاره به دکترین «سبب مقارن» می‌نمود. در واقع سبب مقارن نام بی‌مسمایی است زیرا بیان‌کننده این معنی است

باد سبب مستقیم مؤثر خسارت بود؛  
*Sauer v. General Ins. Co. of Am.* 37 cal.  
*Rptr.* 303, 305-306 (1964)  
 (در جایی که آب از سیستم لوله کشی، بعنوان خطر  
 تحت پوشش، ناشی شده بود، پوشش بیمه ای تأیید  
 شد. خطر تحت پوشش، سبب مستقیم مؤثر خسارت  
 ناشی از «نشست ساختمان» بود که خطری استناد  
 شده محسوب می شد.)  
*12-514 p.2d 123 (cal. 1973)*  
*13-Ibid. at 130 (emphasis in original)*  
 ۱۴- برای مثال نگاه کنید به *Safeco Ins. co. of  
 Am V. Guyton*, 692 F. 2d 551, 555 (9th  
 cir. 1982) (دادگاه بخش خلاف این را اعلام نمود  
 بدین نحو که هرگاه ریسک مستلنی شده سیلاب سبب  
 مستقیم مؤثر خسارت بوده پوشش بیمه ای برای  
 ادعای بیمه گذار بابت خسارت ناشی از سیلاب وجود  
 ندارد. دادگاه رأی داد که براساس دعوی *Partridge*  
 پوشش بیمه ای وجود دارد زیرا تصمیمی که در مورد  
 فقدان مهیا سازی وسایل کنترل سیلاب در بخش آب  
 نیز وجود داشته بعنوان ریسکی تحت پوشش سبب  
 خسارت بیمه گذار شده بود.) *Farmers Ins. Exch.  
 v. Adams*, 216 cal. Rptr. 287, 294 (cal. ct.  
 App. 1985) (رأی داده شد در جایی که خطر تحت  
 پوشش سبب مقارن خسارت است پوشش بیمه

زبان محسوب شده باشد. اما بیمه گر مسؤول خسارتی  
 نیست که خطر بیمه شده تنها سبب دور آن می باشد.»  
 ۶- نگاه کنید به *cal. Ins. code 532 (west*  
*1993)* بخش ۵۳۲ بیان می کند «اگر خطری به طور  
 مشخص در قرارداد بیمه استناد شده باشد و خسارتی  
 بدون آن خطر تعلق نمی یابد، چنین زمانی قابل  
 مطالبه نیست حتی اگر سبب معالوسه آن خطری  
 باشد که مستلنی نشده است.»

*7-377 p.2d 889 (cal. 1963)*

*8- Ibid. at 890-892.*

بیماتکار منزلی را بر روی زمین سست و غیر فشرده  
 ساخت و مسر فاضلاب را به صورت نادرست نصب  
 نمود. سرانجام مسیر فاضلاب شکست و سبب شد تا  
 آب زمین اطراف خانه بیمه گذار را پر و منزل نشست  
 کند.

*Ibid. at 891-892*

*9- Ibid. at 896-897.*

*10-Ibid. at 895*

۱۱- برای مثال نگاه کنید به *Gillis V. Sun Ins.  
 Office, Ltd.*, 47 cal. Rptr. 868, 872-878  
 (1965) در این دعوی در بیمه نامه ای که خسارت  
 ناشی از آب را استناد نموده بود وقتی که باد بعنوان  
 خطر تحت پوشش بیمه باعث سقوط راهرو و فرو  
 ریختن شد، پوشش بیمه ای مورد تأیید قرار گرفت زیرا



اموال برخلاف بیمه مسؤلیت در ارتباط با اثبات تاصیر یا ارزشی دیگر از مسؤلیت مبتنی بر فعل زیانبار نخواهد بود».

*Ibid. at 710 (quoting Michael E. Bragg, Concurrent causation and the Art of Policy Drafting: New perils for Property Insurance, 20 Forum 385, 386 (1985)).*

دلگاه *Garvey* متذکر شد که به دلایل مذکور، مهم است که تحلیل سببیت براساس دو نوع متفاوت از پوشش بیمه‌ای جدا شود. بخصوص دلگاه خاطرنشان نمود که پوشش بیمه‌ای براساس بیمه‌نامه امول با اشاره به خطرهای معینی تعیین می‌شود که برخی از آنها تحت پوشش و برخی مستثنی از بیمه‌نامه می‌باشند در حالی که بیمه مسؤلیت شخص ثالث براساس مفاهیم مسؤلیت مدنی سنتی تاصیر، سبب مستقیم و تکلیف ترسیم می‌شود.

*Ibid, at 710.*

دلگاه اعلام نمود در زمینه بیمه امول طرفین می‌توانند بیمه‌نامه را براساس نیازهای بیمه‌گذار و خطرات استناد شده تغییر دهند و در این جریان حق بیمه‌ای مناسب برای هماهنگ شدن با ضروریات اقتصادی بیمه‌گذار تعیین نمایند.

*Ibid, at 711.*

23 - *Ibid, at 705.*

براساس دعوی *partridge* می‌تواند وجود داشته باشد.)

*Premier Ins. co v. Welch, 189 cal. Rptr. 657, 667 (cal. ct. App. 1983)*

در این دعوی قلعه *Partridge* اعمال و پوشش بیمه‌ای برای خسارت ملزلی که پس از باران سنگین (خطری مستثنی) از پایه حرکت کرده و تاصیر شخص ثالث (خطر تحت پوشش) باعث خسارت به .... و «سبب مستقیم ملارن خسارت» بود مقرر گشت.)

15- 770 P.2d 704 (cal. 1989)

16- *Ibid. at 705*

17- *Ibid.*

18- *Ibid, at 706*

19- *Ibid.*

20- *Ibid, at 705.*

تصمیم دلگاه تجدیدنظر در دعوی *Garvey* ملالی دیگر از تفسیر و اعمال نادرست دعوی *Sabella* بود.

21- *Ibid.*

۲۲- همان دلگاه *Garvey* به تفصیل به بیان تفاوت میان بیمه امول و مسؤلیت پرداخت. نقل قول دلگاه براساس یک گزارشی این بود که «پوشش بیمه‌ای مسؤلیت و وابسته به آن در بیمه نامه مسؤلیت شخص ثالث باید بدقت از تحلیل پوشش بیمه‌ای در قرارداد «بیمه امول خود شخص» متمایز گردد. بیمه

- سلسله ای از حوادث را به راه الدلخت و به خسارت  
Smith ملتهی شد):
- Brian chuchua's Jeep. Inc. v. Farmers  
Ins. Group, 13 Cal. Rptr. 2d 444, 445  
(1992).*
- (سبب مستقیم موثر آن «سببی است که دیگر اسباب  
را به جریان می اندازد» همچین نگاه کنید به:  
*Berry V. Commercial Union Ins. Co., 87  
F. 3d 387, 391 (9th cir. 1996)*  
(که هر دو معیار را به رسمیت شناخت):
- Howell V. State Farm Fire & Casualty  
Co., 267 Cal. Rptr. 708, 716 (cal. ct. App.  
1990)*
- 29- *Sabella V. Wisler, 377 P.2d at 895.*  
دلگاه *Sabella* همچنین برای تقویت تصمیم خود از  
دعوی زیر کمک گرفت:  
*Brooks V. Metropolitan life Ins. co., 163  
P. 2d 689 (cal.1945)*
- دعوی که ادعای آن براساس بیمه نامه دارندگان منزل  
به جهت مرگ اتفاقی بود در این دعوی بیمه گذار  
شخصی بود که از سرطان غیر قابل علاج بعنوان یک  
ریسک استثناء شده رنج می برد و در اثر یک  
آکنل سوزی که ریسک تحت پوشش بود کشته شد.  
*Ibid, at 690.*
- 24 -*Ibid, (emphasis in original).*
- 25 -*Ibid, at 708.*
- 26 -*Webster's third New International  
Dictionary 1786 (1993).*
- 27-*H. Walter croskey et al., California  
Practice guide: Insurance Litigation I  
6:135.1 (1998); California Forms of Jury  
Instructions (1998). The  
"efficienet proximat cause" Jury  
instructions reads:*
- شما شنیدید که دلیل پرونده این است که بیشتر از  
یک/ولعه/خطر] ممکن است [سبب شده باشد/شرکت  
داشته باشد/ تشدید نموده باشد] زیان [بیمه گذار] را.  
«سبب مستقیم موثر» سببی است که در تحقق خسارت  
مهمترین رویداد باشد. براساس بیمه نامه زیان تنها  
وقتی تحت پوشش است که متوجه شوید مهمترین  
عامل زیان [یک ولعه/ یک خطر]، سببی بوده که تحت  
پوشش بیمه نامه قرار دارد.  
*Ibid.*
- 28- برای مثال نگاه کنید به *Allstate Ins. V.  
Smith, 929 F.2d 447, 451 (9th cir. 1985)*  
(ما توجه داریم که اگرچه بارندگی بی حدتگ و مستقیم  
در تحقق این حادثه دخالت داشته است ولی این تقصیر  
و خودداری بیماتکار در پوشش ساختمان بود که

551, 557 ( cal. cr. App. 1997); *Finn V. Continental Ins. Co.*, 267 cal. Rptr. 22, 24 (cal. cr. App. 1990)

35 - 21 cal. Rptr. 2d 871 (cal. cr. App. 1993)

36 - *Ibid.* at 873

37 - *Ibid.* at 873-874

38 - *Ibid.* at 874

39 - *Ibid.*

40 - 267 cal. Rptr. 22 (cal. cr. App. 1990)

41 - *Ibid.* at 23

42 - *Ibid.*

43 - *Ibid.* at 24 (citations omitted)

44- 69 cal. Rptr. 2d. 551 (cal. cr. App. 1997)

۴۵ - منزل *Piepers' malibu* و محتویات آن در اثر آتشسوزی بزرگی در محل پر از خاشاک و بنه تخریب شد. آتشسوزی عمدی بود. بیمهنامه تجاری تمام خطری که عهدهدار خسارت بود و مجموعهای از هنرهای نفیس را در منزل *Piepers* بیمه کرده بود. استثنایی برای خسارت ناشی از آتش در محل پر از خاشاک و بنه پیشبینی نمود.

46 - *Ibid.*

47 - *Ibid.*, at 556-558

دلگانه بیان نمود که «اگر حادثه زنجیره وقایعی را که مستقیماً به مرگ منتهی می‌شود به جریان دلگانه یا در صورتی که این امر سبب متحرک یا نخستین علت [مرگ] باشد، ادعای خسارت پذیرفته است حتی اگر بنظر برسد که شرایط بیمار یا ناکون به علت مرگ کمک کرده است»

*Ibid.*

30 - *Garvey V. state Farm Fire & co.*, 770 P.2d 704 (cal. 1989).

دلگانه *Garvey* هنگامی که به موضوعات مورد تصمیم هیأت منصفه پرداخته بود، مجدداً از تعریف «سبب غالب» مجدداً استفاده کرد تا هیچ گونه تردیدی برای معنی صحیح «سبب مستقیم مؤثر» باقی نماند.

*Ibid.*, at 715 n. 11.

(«یک عضو معقول هیأت منصفه با توجه به وقایع این پرونده می‌تواند متوجه شود که عملکرد شخص سهل‌انگار، سبب غالب خسارت به اموال بود»)

31-258 Cal. Rptr. 639 (cal. Cl. App. 1989)

32 - *Ibid.*, at 645

33 - *State Farm Fire & Casualty Co. V. Von Der lieth*, 820 P. 2d 285, 291 (cal. 1991)

34-E. g. *Pieper V. Commercial underwriters Ins. Co.*, 60 cal. Rptr. 2d

9th cir. Rule 36-3

۵۳- رای مذکور، خطر غیر مربوط به زلزله را تشریح

نکرده است.

54 - Ibid, at \*1

55 - Ibid

56 - Ibid

57 - Ibid, at \*2 (quoting Garvey, 770 P.2d at 710, quoting Michael E. Bragg, *Concurrent Causation and the Art of Policy Drafting: New Perils for property Insurers*, 20 Forum 385, 386 (1985))

58 - Ibid, at \*2.

۵۹- برای مثال نگاه کنید به:

*Pieper V. Commercial under writers Ins. Co.*, 69 Cal. Rptr. 2d. 551, 558 (cal. Cr. App. 1997); *Garvey V. state Farm Fire & Casulty Co.*, 770 P. 2d 204, 710 cal. 1989; *Strubble V. Unieted services Auto. Ass'n*, 110 cal. Rptr. 828, 831-832 (cal. Cr. App. 1973).

60-See, e. g., *strubble*, 110 cal. Rptr. At 831.

61 -*Garvey*, 799 P.2d at 713 n. 9.

62 -*Ibid*.

48 - *Ibid*, at 558

49 - *Ibid*

۵۰- برای مثال نگاه کنید به دعوی

*Berry V. commercial Union Ins. co.* , 87 F. 3d 387, 388 (9th cir. 1996) (*Policy for Commercial Farming Operation*) *Howell V. state Farm Fire & Casualty Co.*, 267 cal. Rptr. 708, 709 (cal. cr. App. 1990) (*Commercial policy for dog Kennel*)

۵۱- یک بیمه نامه تمام خطر، همه ریسکهای خسارت مادی را پوشش میدهد مگر آنهایی را که به طور مشخصی استثناء شده اند. نگاه کنید به دعوی

*Garvey V. State Farm Fire & Casualty Co.*, 770 P.2d 704, 710 (cal. 1989)

در مقابل. بیمه نامه خطر معین، خسارات مادی ناشی از یک خطر معین را تحت پوشش داد.

*Ibid*.

52 - 1995 WI 107288 (9th cir. March 13, 1995)

در دعوی *Ninth Circuit* آر.د. منتشر نشده به عنوان رویه قضایی تالی نشده نمی‌بایست ذکر شوند مگر وقتی که براساس نظریه‌های رویه قضایی با قاعده اعتبار امر مختم یا محکوم بها، مرتبط باشند. ملاحظه شود:

10 10 06 95); *ISO Causes of Loss Basic Form (CP 10 10 06 95); ISO Causes of Loss Basic Form (CP 10 10 06 95);*

74 -See generally, 1 Linda G. Robinson & Lack P. Gibson, *Commercial Property Insurance V. R. 2 (1992).*

75-668 *F. Supp. 1379 (C. D. Cal. 1987), affd, 872(emphasis-in original)*

76 -Ibid at 1382 (emphasis in original).

77 -267 *cal Rptr. 708 (cal. Ct. App. 1990).*

78 -Ibid, at 711 in *Howell*.

پس از بارندگی سنگین در مایملک *Howell* سنگهایی از کوه ریزش کرد. یکسال قبل از این آتشسوزی بسیاری از گیاهان روی دامنه کوه را از بین برده بود و آنرا برای ریزش کوه در اثر بارندگی هموار نمود.

*Ibid at 709.*

بیمهنامه های کشاورزی دولتی «آب» و «حرکت زمین» را استناد کرده و عبارت «ضد سبب مقلان» را در آن گنجانیده بود.

*Ibid at 710.*

در این بیمهنامه زیان تحت پوشش قرار داده شد زیرا «آب» و «حرکت زمین» استناد شده بودند در حالی که در دعوی *Howell* ادعا شده بود که خسارت ناشی از آتشسوزی است.

63 -Ibid. at 712.

64 -Ibid.

65 -*Cal. Ins.code 10088 (west 1993)*

66 -Ibid.

67 -See *Ibid.10088.5.*

این بخش زبانه های ناشی از آتشسوزی را که در اثر زلزله ایجاد شد طند استناد می کند.

68 -*Ibid.10088*

69 -*Williams V. State Farm Fire & Casualty Co., 265 Cal. Rptr. 644. 646 (cal. Cr. App. 1990).*

70 -*Garvey V. State Farm Fire & Casualty Co., 770 P.2d 704, 727 (cal. 1989) (mask, J., dissenting).*

71-1989 *cal.stat.cn.9162,at3073 quoted in Williams V. State Farm Fire & Casualty Co.265cal.Rptr.644,645(cal.Ct.App.1990).*

72 -*ISO Homeowners 3 Special Form (HO 00030491); 150 Causes of loss Basic Form (CP 10 10 06 95); ISO Causes of loss Broad Form (CP 10 20 06 95); Causes of Loss Special Farm (CP 10 30 06 95).*

73 -*ISO Causes of Loss Basic Form (CP*

79 -Ibid, at 711.

80 -Ibid, at 714.

81 -Ibid, at 712.

82 -Ibid, at 715.

ولگان کلیدی:

علت نزدیکی سبب مکارن سبب مستقیم موثر،  
کالیفرنیا.

منبع:

<http://www.RKMC.Com/article.asp?>

article=93

